



قضیه فلسطین

کتابی درباره پیشینه و تحولات سرزمین فلسطین

کتاب «قضیه فلسطین» پیشینه تاریخی و تحولات معاصر» به قلم محسن محمد صالح تألیف وتوسط صابر گل عنبری ویوسف رضازاده ترجمه شده است. این کتاب همان طور که از نامش پیداست، از تاریخچه فلسطین تا سال ۲۰۱۱ را در خود جای داده است. به گزارش ایسنا، مهم ترین ویژگی کتاب این است که به قلم یک محقق و نویسنده عرب لبنانی تحریر شده که از نزدیک با منطقه فلسطین وتحولات آشناست ودرغم این سرزمین زندگی کرده است. نسخه اصلی این کتاب به زبان عربی باعنوان «القضية الفلسطينية، خلفياتها التاريخية و تطوراتها المعاصرة» در سال ۲۰۱۲ توسط مرکز مطالعات الزیتونه منتشر شد و ۶ فصل و ۲۰۸ صفحه دارد. هر فصل از کتاب «قضیه فلسطین» پیشینه تاریخی و تحولات معاصر» به دوران خاصی از تاریخ سرزمین فلسطین پرداخته است. نویسنده در ابتدای هر فصل مقدمه کوتاهی را به رشته تحریر درآورده که به شکل مختصر درباره وضعیت حاکم بر آن دوره ویژه تاریخی توضیحی ارائه داده است. این مقدمه ها برای کسانی که در سرزمین های خارج از فلسطین زندگی می کنند، بسیار مفید است، زیرا مخاطبان را به صورت موجز و کلی با روح حاکم بر آن دوره و محتوای ارائه شده در آن فصل آشنا می کند. همچنین این مقدمات، مهارت نویسنده در نویسندگی و مقاله نویسی مطلوبی را اثبات می کند.

البته باید اضافه کرد که ضعف کتاب «قضیه فلسطین» پیشینه تاریخی و تحولات معاصر» در این است که روایتش را در تاریخ ۲۰۱۱ به پایان رسانده است. درحالی که داستان فلسطین هنوز ادامه دارد. در سال های گذشته وقایع متعددی در سرزمین فلسطین به وقوع پیوسته است که هر کدام نقطه عطفی در تاریخ مقاومت این سرزمین تلقی می شوند.

صاحب خبر

توس تانیشابور

کنگره شعر ویژه شاعران خراسان برگزار می شود

کنگره شعر «توس تانیشابور» ویژه شاعران خراسان بزرگ، در دو بخش آزاد و ویژه برگزار می شود. بخش آزاد این کنگره با موضوع آزاد و در همه قالب های شعری و بخش ویژه با مضامین حماسی (قهرمانان ملی) و سلسله الذهب (به مناسبت دهه کرامت) برگزار می شود.

آن گونه که خبرگزاری ایبنا نوشته است، آخرین مهلت ارسال اثر کنگره شعر «توس تانیشابور» ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ است و اولویت انتخاب برگزیده با تأثیری است که در جشنواره ها و مسابقات دیگر شرکت نکرده باشند. هر شرکت کننده می تواند نهایت ۱۰ اثرش را در قالب ورد همراه با نام و نام خانوادگی، نشانی و شماره تماس به نشانی @Toos_neyshaboor در پیام رسان ایثا بفرستد. به برگزیدگان در بخش آزاد، نفر اول ۸ میلیون تومان همراه با لوح تقدیر، نفر دوم ۶ میلیون تومان همراه با لوح تقدیر و نفر سوم ۴ میلیون تومان همراه با لوح تقدیر و در بخش شایسته تقدیر نیز به پنج نفر، به نفر مبلغ ۲ میلیون تومان اهدا می شود. همچنین در بخش ویژه این کنگره نیز به یک نفر برگزیده شعر حماسی، مبلغ ۵ میلیون تومان و یک نفر برگزیده شعر سلسله الذهب، مبلغ ۵ میلیون تومان اهدا خواهد شد.

تازه های کتاب

نشر نو منتشر کرد

ترجمه روسی به فارسی «دکتر ژیاگو»

رمان «دکتر ژیاگو» نوشته یاریس پاسترناک به تازگی با ترجمه پروانه فخام زاده به وسیله نشر نو منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب یکی از عناوین مجموعه «کتابخانه ادبیات داستانی معاصر» است که این ناشر چاپ می کند و براساس نسخه روسی سال ۱۹۵۸ ترجمه شده است. ترجمه های دیگر

از «دکتر ژیاگو» تا پیش از این، از نسخه های غیرروسی انجام شده بود.

خبرگزاری مهر همچنین از این نوشته است که در نسخه روسی به فارسی این رمان، از نقاشی های لئونید آسییوویچ پاسترناک استفاده شده است. محمد رضا جعفری، ویراستار این ترجمه، نیز می گوید ترجمه فارسی سروده های یوری ژیاگو که در متن کتاب قرار دارند، با سه ترجمه انگلیسی این اثر مقابله شده است.

زین قدیر

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

ناوبراسته

ترکیه خبر بازداشت داوود غفاری (داوود هزینه) رو تایید کرد.

ویراسته

ترکیه خبر بازداشت داوود غفاری (داوود هزینه) را تایید کرد.

نکته

به دلیل شتاب در خبرنگروپسی یا به دلیل در آمیختگی زبان گفتار و نوشتار، گاهی می بینیم در نوشتار رسمی از واژه های گفتاری استفاده می شود که درست نیست. به ویژه در خبر کار بست گفتاری نویسی کاملا غلط است.

#زین_قدیر_پارسی

شمس لنگرودی، شاعر و نویسنده و پژوهشگری ماجراجو که بازیگری در صحنه تئاتر را هم به تجربه هایش اضافه کرد

آدم زمین زراعی نیست که نتواند تغییر کاربری دهد



وتلفیقی از شعر و تاریخ است. مسیری که از پس نگارش آن من را تا جایی هدایت کرد که در مجموعه های دانشگاهی و آموزشی شروع به تدریس رمان کردم. پس اگر قرار بود فکر کنم که من رمان نویس نیستم، هرگز به سمت آن نمی رفتم. اما باز هم تأکید می کنم من برای پاسخ به نیاز خودم رمان نوشتم، برای پاسخ به نیازهای خودم بازیگری در سینما و تئاتر را پذیرفتم و برای پاسخ به نیازهای خودم، حتی خوانندگی را هم تجربه کردم.

این تصور درستی نیست که برخی ها بر این باورند که اگر فردی شاعر است، نباید آواز بخواند یا بازیگری کند. من در جوانی دوره بازیگری در سینما و تئاتر را پذیرفتم ادبی، در موسیقی نیز فعالیت هایی داشتم. من در هر زمینه ای اول سعی می کنم یاد بگیرم و بعد اگر مایل باشم، انجام می دهم. آدم زمین زراعی نیست که نتواند تغییر کاربری دهد.

خیلی مقاومت کردم، چون میل نداشتم وارد فضای بازیگری شوم، اما وقتی وارد شدم، دیدم چقدر با دنیای ادبیات متفاوت است.

نکته دیگری که قبل از پذیرش حضور در چنین پروژه هایی برابم بسیار اهمیت دارد، نوع نگاهم به این تجربه هاست. من هر کار هنری که می کنم، براساس نیازهای روانی خودم و پاسخ به پرسش هایی است که برای خودم مطرح می شود. من هرگز به این دلیل شعر نگفتم که دیگران بگویند این شعر بد یا خوب است؛ بلکه شعر را با تمام وجودم دوست دارم و در میان این دوست داشتن، می خواهم به پرسش های روانی خودم پاسخ دهم. هرگز تصور نمی کردم روزی رمان بنویسم، چه برسد به اینکه روزی در صحنه تئاتر حضور داشته باشم.

اتفاقاتی در زندگی ام افتاد که نوشتن رمان را هم تجربه کردم. درحالی که «شعر» موجز و «رمان» تشریحی

صحنه، برخی اشعارم را در قالب بازیگر پیش روی مخاطبان قرار دهم، پذیرفتم در این نمایش حاضر شوم. البته پیش از این هم با مهیار علیزاده به عنوان یکی از آهنگ سازان مطرح موسیقی کشورمان دوست بودم و وقتی در این زمینه با او صحبت کردم، متوجه شدم که محیط مناسبی برای حضورم در عرصه تئاتر فراهم شده است که می تواند برابم دربرگیرنده علاقه مندی هایی باشد.

من از همان دوره نوجوانی که به شعر و شاعری علاقه مند شدم، همواره در پی تجربه اندوزی بودم؛ مسیری که برابم بسیار آموزنده بود. در همین دوران بود که تصمیم گرفتم درعین علاقه مندی هایم به شعر، اولین مقاله ام را هم بنویسم. یادم می آید در همان دوران، فردی به من گفت: «مقاله نویسی چه ربطی به شعر دارد؟» حتی زمانی که اولین کتاب تحقیقاتی ام را نوشتم، دوباره از من پرسیدند: «حالا مقاله نوشتی. اما تحقیق چه ربطی به مقاله نویسی دارد؟» خلاصه به این نتیجه رسیدم که من باید کار خودم را انجام دهم، زیرا افرادی که چنین واکنش هایی دارند، غم خوارم نیستند و احتمالا از روی حسن نیت یا من برخورد نمی کنند؛ وضعی که باعث شد دیگر به این مسائل و حاشیه ها فکر نکنم.

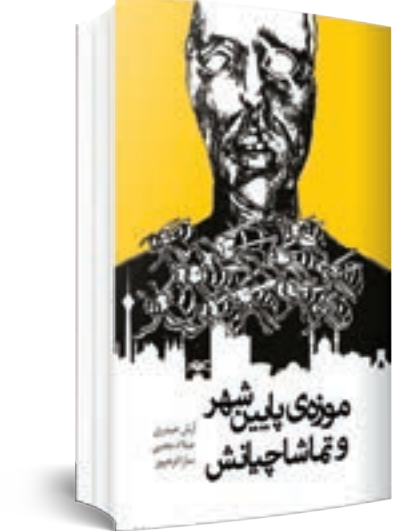
نکته دیگری که می توانم به آن اشاره کنم، تجربه حضور در چالش است. من از چالش خیلی خوشم می آید و سعی می کنم اول یاد بگیرم و بعد وارد چالش شوم. درباره بازیگری هم ماجرا به همین شکل انجام شد. من در بیست و شش سالگی دوره بازیگری دیدم، یعنی زمینه اش را داشتم. البته وقتی برای حضور در این چالش از من دعوت کردند،

به تماشاگاه ویرانی ما آمده اند...

نگاهی به کتاب «موزه پایین شهر و تماشاچیان» که دیدگاهی متفاوت به مسئله زندگی فرودستان دارد

در تهی دست ترین حالتش ما را به مواجهه دعوت می کند و از قصه ای خبر می دهد که باید شنیده شود.»

* بندی از شعر ارغوان، سروده ا. ه. سایه



می توان دهه تولید تهی دستی دانست. اقتصاد در وضعیتی فاجعه بار قرار گرفت و بحران های پیاپی منجر به تولید نظام مند فقر شد. در همین دهه بود که متراکم شدن فقر سوژه گزارش های خبری و فیلم های پرشماری شد و نظام بازنمایی رسانه ای را تحت تأثیر قرار داد. تهی دستان زیادی برای نخستین بار اسرم دار شدند؛ سوخت بر، کول بر، زیاله گرد، دست فروش و گور خواب. این فیگورها قیلا هم در جغرافیای ایران حاضر بودند، ولی در این دهه بود که رویت پذیر شدند. نویسندگان موزه پایین شهر و تماشاچیان نشان داده اند که چرا این رویت پذیری باعث نشد تا فرد دست و زندگی محقرش به مسئله تبدیل شود، چگونه موضوع اصلی تبدیل شد به سوژه هایی برای کلیک خوری سایت ها و فروش قصه شان در سینماها و در نهایت، چگونه فرودستان برای فرادستان امری تماشایی به حساب آمدند و پایین شهر به موزه ای بزرگ از فقر بدل شد.»

برشی از کتاب

«تصورپردازی از فرودستان همواره یکی از محورهای عمده میدان هنر بوده است و نفس پرداختن به

درباره مجموعه داستان «تاکسی سواری»، نوشته سروش صحت کوتاه نوشته هایی از سفرهای کوتاه

سفید شده است. گفتیم «بله». «راننده پرسید «برای مردن آماده ای؟» گفتیم «چی؟» «راننده گفت «می گم برای مردن آماده ای؟» گفتیم «مگه قراره بمیرم؟» راننده گفت «آره دیگه... چشم به هم بزنی رفته ای... زود... خیلی زود.» برای مردن آماده نبودم، حتی برای شنیدن این حرف هم آماده نبودم، ولی انگار راننده مطمئن بود که به زودی می میرم. به راننده گفتم «ولی نمی خوام به این زودی بمیرم.» راننده گفت «هیچکی نمی خواد... ولی خیلی هم زود نیست...» دلم می خواست از تاکسی پیاده شوم و بقیه راه را بدوم... ولی راه دور بود و جان این همه دویدن را نداشتم. (ص ۶۵)



تاکسی سواری نویسنده: سروش صحت ناشر: چشمه، ۱۴۰۲ (چاپ اول) صفحه ۱۶۰ هزار تومان



و به طور خاص توئیتر (شبکه ایکس)، و از سوی دیگر، گمترشدن حوصله بشر برای خواندن داستان ها و متن های طولانی رواج بیشتری یافته است، خود به گونه های مختلفی تقسیم می شود مانند: ۱. داستان شش کلمه ای (که از آن دو نمونه آوردیم)، ۲. داستان پنجاه کلمه ای یا minisaga که از واژه اصلاناسکاندیناویایی saga به معنای «آنچه گفته می شود» (نزدیک به say انگلیسی) گرفته شده است و گاهی dribble نیز نامیده می شود، به معنای قطره قطره چکاندن یا چکیدن؛ ۳. داستان ۵۵ کلمه ای یا nanofiction که از واژه نانو به معنای یک هزارم یک هزارم یک هزارم یک چیز گرفته شده است؛ ۴. داستان صد کلمه ای یا microfiction که از واژه میکرو به معنای یک هزارم یک هزارم یک چیز گرفته شده است و آن drabble یا یک هزارم یک چیز گرفته شده است و آن drabble نیز می خوانند، در تقابل با گونه دوم، ۵. داستان ۷۵ کلمه ای یا short fiction یا «داستان ناگهان»؛ ۶. داستان هزار کلمه ای یا microstory؛ ۷. و بالاخره، یک زیر ژانر و چه بسا بهتر است بگوییم ژانر بزرگ و درحال رشدی که خودش به گونه های شعر، داستان و حتی رمان ظهور کرده است، با عنوان twitterature که تلفیقی است از دو واژه twitter و Literature به معنای ادبیات، محدودیت این گونه آخر، همان محدودیت معروف فضای توئیتر است که از زمان تأسیس در سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷، حداکثر ۱۴۰ کاراکتر یا حرف برای هر متن بود و از آن زمان تاکنون ۲۸۰ حرف شده است.

مجموعه داستانی که امروز معرفی می کنیم، شامل ۱۲۴ داستانک یا داستان خیلی خیلی کوتاه است که همه آن ها یک راوی دارد، مردی میان سال که هر روز در تهران سوار تاکسی (البته تاکسی های

فرض کنید می خواهید داستانی تعریف کنید، حداکثر به چند کلمه نیاز دارید؟ کلمه کوچک ترین واحد ساخت جمله است. از طرفی، جمله ها داستان ها را می سازند. ظاهرا می توان جمله یک کلمه ای ساخت؛ جمله دارای فعل امر، مانند «بیا». اما آیا این یک داستان است؟ بعید می دانم «بیا» را داستان بدانید. و اتفاقا کوتاه ترین داستان چند کلمه دارد؟ پاسخ معروف این سؤال، «شش» است. باشش کلمه می توان داستان ساخت. ارزنت همینگوی داستانی شش کلمه ای دارد،

فروش؛ کفش بچگانه، استفاده نشده.)، لیستر دنیل نیز داستانی دارد به نام اندوه (Grief)،

Without thinking, I made two cups».

هیچ حواسم نبود، دو فنجان ریختم.») که باز هم شش کلمه ای است. این گونه داستان های خیلی خیلی کوتاه را در زبان انگلیسی «Flash fiction» می نامند. واژه Flash را که یادآور فلاش عکاسی و شخصیت ابرقهرمانی و فوق العاده سریع «فلش» است، فرهنگ لغت «حییم» معادل «برق (زدن)، نور (مختصر)، لحظه، پرزخ ناگهانی، جلوه و ناگهان شعله ور شدن» در زبان فارسی دانسته است. براین اساس، Flash fiction شبیه فلاش عکاسی یا صاققه در آسمان، به طور آنی و ناگهان، نوری می تاباند، البته این بار در ذهن و ضمیر خواننده و عجیب است که این نور به ظاهر ناچیز و این لحظه یا «آن داستانی»، خواننده را تا مدت ها درگیر خودش و فضایی که آفریده است، می کند.

جالب است بدانیم این ژانر نسبتا نو ظهور ادبی که در سال های گذشته به موازات گسترش روزافزون فضای مجازی و رشد چشمگیر رسانه های اجتماعی